

الف - قربانیان جرم

۱. واژه "قربانیان" در این جا به افرادی اطلاق می شود که به طور انفرادی یا جمعی، در اثر فعل یا ترک فعلی که ناقض قوانین جاری کیفری و قوانین مربوط به سوء استفاده از قدرت در یک کشور عضو {سازمان ملل متحد} است، متحمل خسارت از جمله آسیب جسمی یا روانی، رنجی روحی یا ضرر اقتصادی شده اند و یا حقی از حقوق بنیادینشان به طرز فاحش نقض شده است.
۲. در اعلامیه حاضر واژه قربانی به متضررین از جرم، صرف نظر از شناسایی، توقیف، تعقیب کیفری، محکومیت عاملین جرم و یا وجود نسبت خانوادگی متضرر با آنها، اطلاق می شود. واژه «قربانی» همچنین حسب مورد، خویشاوندان بلافصل و افراد تحت تکفل و افرادی که در اثر مداخله جهت کمک به قربانی درمخمسه و یا ممانعت از ارتکاب جرم خسارت دیده اند را نیز در برمی گیرد.
۳. موازین بخش حاضر در مورد کلیه افراد بدون اعمال هر نوع تبعیض، از جمله به جهت نژاد، رنگ پوست، جنسیت، سن، زبان، مذهب، ملیت، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، باورها و یا رسوم فرهنگی، دارایی، تولد یا وضعیت خانوادگی، خاستگاه قومی یا اجتماعی و توانایی جسمی، جاری خواهد بود.

دسترسی به عدالت و رفتار عادلانه

۴. با قربانیان بایستی با شفقت و احترام به شخصیتشان رفتار شود. آن ها از حق دسترسی به محاکم قضایی برخوردارند و خسارتی که متحمل شده اند باید بر طبق قوانین داخلی ترمیم و جبران شود.
۵. تشکیلات قضایی و اداری (در صورت فقدان آن) بایستی ایجاد و تقویت شود که خسارت قربانی را طبق روالی رسمی و یا غیر رسمی اما سریع، عادلانه، کم هزینه و سهل الوصول ترمیم کند. قربانیان باید از حقوق خود در تقاضای جبران و ترمیم خسارت از طریق روال های مذکور آگاه شوند.
۶. قابلیت تشکیلات قضایی و اداری در پاسخ به نیازهای قربانیان باید به شرح زیر گسترش یابد:
الف- آگاه ساختن قربانی از نقش این تشکیلات و دامنه امکانات، تاریخ و چگونگی روال رسیدگی و دسترسی به پرونده، به ویژه هنگامی که جرم سنگینی رخ داده است و قربانی متقاضی کسب اطلاعات است؛
ب- در چهارچوب نظام عدالت جزایی کشور و بدون آنکه به حق دفاع متهم خدشه ای وارد شود در مراحل لازم و مناسب دادرسی، هنگامی که منافع شخصی قربانی مطرح است بایستی به او فرصت بیان نظرها و دغدغه های خاطرش داده شود و بدان وقع نهاده شود؛
ج- معاضدت های لازم باید در طول روند رسیدگی در اختیار قربانی قرار گیرد؛
د- اتخاذ موازینی جهت کاهش مشکلاتی که قربانیان با آن مواجه می شوند و در صورت لزوم حفاظت از حریم خصوصی و امنیت آن ها و خانواده ها و گواهانیشان جهت حمایت از آن ها در مقابل ارباب و انتقامجویی؛
ه- از اطلاع دادرسی و تأخیر در اجرای تصمیمات و احکام ترمیم خسارت قربانی اجتناب شود.
۷. برای تسهیل مصالحه میان طرفین دعوی و جبران خسارت قربانی، بایستی از روش های غیر رسمی حل اختلافات از جمله میانجیگری، داوری و رویه های عملی سنتی و بومی (در صورت وجود این روش ها) استفاده شود.

ترمیم و جبران خسارت

۸. مجرمین و یا اشخاص ثالث مسئول اعمال آن ها، بایستی در صورت لزوم، خسارت قربانی، خانواده و یا افراد تحت تکفل او را به صورتی عادلانه جبران کنند. جبران خسارت باید شامل، استرداد اموال، پرداخت ضرر و زیان، باز پرداخت مخارج ناشی از جرم، تأمین خدمات، و مخارج احقاق حقوق قربانی باشد.
۹. دولت ها بایستی با تجدید نظر در رویه عملی و مقررات و قوانین خود، امکان صدور آراء جداگانه جبران خسارت در امور کیفری را در کنار سایر احکام کیفری پیش بینی کنند.
۱۰. هرگاه جرم موجب ایراد خسارت سنگین به محیط زیست شود، جبران خسارت بایستی حتی المقدور: ترمیم محیط زیست، بازسازی تأسیسات، ترمیم تجهیزات عمومی، بازپرداخت هزینه های اسکان مجدد افراد در مواردی که جرم موجب از همپاشیدگی و بی خانمانی ساکنین این مساکن شده باشد را نیز در برگیرد.

۱۱. هنگامی که نقض قوانین کیفری در اثر اقدامات کارمندان دولت و یا افراد دیگری که تحت عنوان رسمی یا شبه رسمی عمل کرده اند، انجام گرفته باشد، کشور حوزه اشتغال کارمند یا مأمور مسئول موظف به جبران خسارت قربانی است. در صورت برکناری دولتی که فعل یا ترک فعل موجب خسارت، تحت حاکمیت او انجام گرفته است، قدرت حاکمه و یا دولت جانشین مسئول پرداخت خسارت خواهد بود.

پرداخت غرامت

۱۲. هنگامی که پرداخت کامل غرامت توسط مجرم یا منبع دیگری ممکن نباشد، دولت باید بکوشد در موارد زیر پرداخت غرامت را تضمین کند:

الف- در مورد قربانیانی که در اثر عمل مجرمانه صدمه سخت جسمی دیده اند و یا سلامتی عمومی جسمی یا روانی ایشان مختل شده است؛

ب- در مورد خانواده و به ویژه افراد تحت تکفل قربانیانی که در اثر جرم در گذشته اند و یا دچار معلولیت جسمانی یا روانی شده اند.

۱۳. تأسیس يك صندوق مالی ملی و تقویت و گسترش آن جهت پرداخت غرامت قربانی باید مورد تشویق قرار گیرد و در صورت لزوم صندوق های مالی دیگری نیز ایجاد شود که خسارت آن دسته از افرادی را که کشور متبوعشان قادر به جبران آن نیست، تأمین کند.

خدمات

۱۴. قربانیان باید بتوانند از طریق سازمان های دولتی و انجمن های عام المنفعه، انجمن های محلی و بومی از معاضدت های لازم مادی، درمانی، روانی و اجتماعی برخوردار شوند.

۱۵. قربانیان را بایستی از وجود خدمات درمانی، خدمات اجتماعی، و کمک های دیگری که احتمالاً مفید به حالشان واقع خواهد شد، مطلع ساخت و دسترسی به آن را تسهیل کرد.

۱۶. کارکنان مراکز انتظامی، دادگستری، درمانی، و نیز مراکز خدمات اجتماعی و سایر مراکز مربوطه بایستی جهت آگاهی و توجه نسبت به نیاز های قربانیان، دوره های آموزشی خاص ببینند. همچنین دستور العمل هایی بایستی جهت تضمین کمک های فوری و لازم تدوین شود.

۱۷. در ارائه خدمات و معاضدت به قربانی، باید به ویژه به افرادی که به دلیل خسارت وارده و یا عوامل مذکور در بخش ۳ نیاز های خاصی دارند توجه ویژه مبذول شود.

ب- قربانیان سوء استفاده از قدرت

۱۸. واژه "قربانیان"، در این جا به افرادی اطلاق می شود که به طور انفرادی و یا جمعی در اثر فعل یا ترک فعلی که ناقض هنجار های پذیرفته شده بین المللی مربوط به حقوق بشر است - حتی اگر قوانین داخلی را نقض نکرده است - متحمل خسارت از جمله آسیب جسمی و روحی، رنجی روانی و ضرر اقتصادی شده اند و یا حقی از حقوق بنیادیشان به طرزی اساسی نقض شده است.

۱۹. کشورها بایستی موازین و هنجار های بین المللی ناظر بر ممنوعیت سوء استفاده از قدرت را در قوانین داخلی خود گنجانده و راه های احقاق حق قربانیان ناشی از این جرم را پیش بینی کنند، این حقوق به ویژه ترمیم و جبران خسارت، پرداخت غرامت و حمایت و معاضدت های ضروری مادی، درمانی، روانی و اجتماعی را نیز دربر می گیرد.

۲۰. کشورها بایستی انجام مذاکرات در عقد معاهدات بین المللی چند جانبه را در مورد قربانیان طبق تعریف ماده ۱۸، در دستور کار خود قرار دهند.

۲۱. کشورها بایستی به طور ادواری قوانین جاری و رویه های عملی خود را جهت تطبیق با تحول شرایط، مورد بررسی قرار داده و قوانینی وضع کنند و در صورت لزوم به موقع اجرا گذارند که هر عملی را که تحت عنوان سوء استفاده فاحش از قدرت سیاسی یا اقتصادی قرار می گیرد ممنوع کرده و اتخاذ خط مشی ها و سازوکارهایی را که از انجام چنین اعمالی پیشگیری می کنند ارتقاء دهد. همچنین بایستی حقوق و طرق احقاق حق قربانیان چنین جرائمی را گسترش داده و تحقق آنرا تضمین کنند.